

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قنوت

یکی از حالاتی که در حال قیام برای نمازگزار و مصلی مستحب است، اما استحباب آن بسیار مؤکد است، قنوت می‌باشد. نمازگزار در رکعت دوم، پس از اینکه حمد و سوره را خواند، قنوت می‌خواند.

برای واژه‌ی قنوت از نظر لغوی معانی متعددی در کتاب‌ها ذکر شده است. به معنای دوام بر طاعت و فرمانبری، دوام طاعت مع‌الخضوع؛ یعنی پایداری بر طاعتی که در پیشگاه حضرت حق توأم با فروتنی است^۱. لغویان قائلند: اصل واژه‌ی قنوت از دوام گرفته شده و به معنای دوام است^۲؛ منتها به تدریج واژه‌ی قنوت به معنای اطاعت و فرمانبری به کار رفته است^۳. بعضاً واژه‌ی قنوت را به معنای نماز به کار برده‌اند^۴. در اجزای نماز هم واژه‌ی قنوت را بعضاً به معنای حالت قیام^۵، طولانی کردن قیام و حالت ایستاده بودن در نماز به کار برده‌اند^۶. معنای دیگری که برای قنوت وجود دارد، دعاست^۷. سکوت هم به منزله‌ی

^۱. راغب‌اصفهانی، مفردات، ص ۶۸۴ و ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۳، ص ۲۷۳.

^۲. صاحب‌بن‌عباد، المحیط فی اللغة، ج ۵، ص ۳۶۶ و کبیرمدنی شیرازی، الطراز‌الاول، ج ۳، ص ۲۸۲.

^۳. طبرسی، مجمع‌البیان، ج ۱، ص ۳۶۵ و حسینی‌زبیدی، تاج‌العروس، ج ۳، ص ۱۱۰.

^۴. ابن‌اثیرجزری، التّهایة فی غریب‌الحديث، ج ۴، ص ۱۱۱ و ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۲، ص ۷۳.

^۵. ابن‌اثیرجزری، التّهایة فی غریب‌الحديث، ج ۴، ص ۱۱۱ و ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۲، ص ۷۳.

^۶. زمخشری، الفائق فی غریب‌الحديث، ج ۳، ص ۱۲۴ و نحاس، اعراب‌القرآن، ج ۴، ص ۵.

^۷. و ابن‌منظور، لسان‌العرب، ج ۲، ص ۷۴ و فیومی، مصباح‌المنیر، ج ۲، ص ۵۱۷.

یکی از معانی واژه‌ی قنوت نقل شده است.^۸ بزرگان در شرح بعضی از روایات، طول القنوت را به معنای طولانی کردن حالت ایستاده و قیام در نماز گرفته‌اند؛^۹ البته به معنای طولانی کردن دعایی که در رکعت دوم در حال قنوت خوانده می‌شود هم قابل معنا کردن است.^{۱۰} این معنی لغوی واژه‌ی قنوت؛ ولی آنچه که ما اینجا می‌خواهیم به آن بپردازیم، همان قنوت مصطلح است که نمازگزار در رکعت دوم دست‌ها را بلند می‌کند تا دعا کند.^{۱۱}

نکته‌ای که زمینه‌ساز فهم قنوت است، این است که در نظام تکوین همه چیز تحت اراده‌ی حضرت حق است. در نظام آفرینش هیچ چیز نمی‌تواند از اراده و مشیت الهی تخطی کند و چون اراده‌ی الهی در مسیر کمال موجودات، همان صراط مستقیم و مسیر صحیح است؛ لذا در عالم خلقت، همه‌ی موجودات در بُعد تکوینی، در مسیر صحیح، صراط مستقیم و در راستای فرمان‌پذیری و اطاعت از حضرت حق حرکت می‌کنند. قرآن کریم فرمود: «مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا»^{۱۲} "ناصیه" به موهایی می‌گویند که جلو صورت، روی پیشانی اسب در می‌آید.^{۱۳} اسب مظهر قدرت است؛ هنوز هم وقتی می‌خواهند مثلاً قدرت یک موتور را مشخص کنند، می‌گویند این موتور چند قوه اسب قدرت دارد؛ یعنی اسب

^۸ ابن فارس، معجم مقاییس اللغة، ج ۵، ص ۳۱ و ابن اثیر جزری، النّهائیه فی غریب الحدیث، ج ۴، ص ۱۱۱ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۷۳.

^۹ مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۰ و نوری، مستدرک، ج ۴، ص ۴۱۳ و ابن منظور، لسان العرب، ج ۲، ص ۷۳.

^{۱۰} مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۱۹۶ و بحرانی، البرهان، ج ۱، ص ۴۹۸.

^{۱۱} کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۰ و حرّعاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۲۶۶ و طوسی، تهذیب الاحکام، ج ۲، ص ۸۹.

^{۱۲} قرشی بنائی، قاموس قرآن، ج ۷، ص ۷۵ و ازدی، کتاب الماء، ج ۳، ص ۱۲۵۷.

سمبل قدرت است. اما اسب با همه‌ی قدرتش، اگر شما بتوانید همین چند موی جلوی پیشانی‌اش را به دست بگیرید، تسلیم مطلق شماست. این ناصیه است. فرمود: «مَا مِنْ دَابَّةٍ» هیچ جنبنده‌ای نیست، «إِلَّا هُوَ أَخَذَ بِنَاصِيَتِهَا» مگر اینکه خدا ناصیه‌ی او را در دست دارد؛ یعنی همه‌ی موجودات در جهان خلقت تسلیم مطلق حضرت حقند. «إِنَّ رَبِّي عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ»^{۱۳} هر آینه پروردگار من بر صراط مستقیم است. خدا ناصیه‌ی همه‌ی موجودات را به دست گرفته است و آنها را در صراط مستقیم و مسیر صحیح و در جهت تعالی و تکامل پیش می‌برد. این در جنبه‌ی تکوینی. لذا قرآن در جای دیگر اشاره کرد: «فَقَالَ لَهَا وَ لِلْأَرْضِ انثَبَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ»^{۱۴} خدای متعال به او و به زمین (آسمان و زمین) فرمود: چه با رغبت و طوع و چه با کراهت و اجبار بیایید. اراده‌ی تکوینی خدا اراده‌ی قاهره است و اجرا می‌شود؛ اما آسمان و زمین گفتند: «قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ» ما با طوع، رغبت و پذیرش می‌آییم؛ نه با مقاومت و اعتراض و نارضایی. همه‌ی عالم تحت اراده‌ی خداست. در جنبه‌ی تکوینی همه‌ی موجودات عالم تحت اراده‌ی خدا قرار دارند و در صراط مستقیم و مسیر صحیح تکامل و تعالی در حرکتند.

جهان تشریح حوزه‌ی عمل اختیاری انسان و موجودات مختار دیگری مثل جن است، که آنها هم مثل انسان صاحب‌اختیارند و لذا مخاطب امر و نهی الهی و مکلف به اطاعت از پروردگارند. به دلیل اختیاری که در حوزه‌ی تشریح وجود دارد، امکان گمراهی، به بیراهه

۱۳. سوره‌ی هود، آیه‌ی ۵۶.

۱۴. سوره‌ی فصلت، آیه‌ی ۱۱.

رفتن، انحطاط و سقوط هم وجود دارد؛ چون در مسیر تکوین اختیاری وجود نداشت، همه قهراً توسط خدا به سمت تعالی و تکامل پیش می‌رفتند؛ اما در حوزه‌ی تشریح، چون موجود مختار، صاحب آزادی است و می‌تواند اطاعت و تمرد کند، جایی که از اختیارش استفاده‌ی غلط می‌کند، مرتکب عصیان، معصیت و سرکشی می‌شود و فرمانبری نمی‌کند؛ طبیعتاً به سمت انحطاط و گمراهی خواهد رفت؛ در بیراهه راه می‌سپارد و سقوط خواهد کرد.

عبادت به‌طور مطلق و نماز به‌طور خاص، از جانب پروردگار تشریح شد تا نظام تشریح را با نظام تکوین هماهنگ کند؛ یعنی موجود مختار را هم به سنجیه‌ی طاعت و فرمانبری مزین کند. خداوند برای اینکه انتخاب‌ها و زندگی ما انسان‌ها و جن‌ها را که صاحب اختیار و قدرتییم و می‌توانیم راه رشد و غیّ، تعالی و انحطاط و شکر و کفران را در پیش بگیریم، با همان نواخت و آهنگی که در کلّ آفرینش و نظام تکوین حاکم است، هماهنگ کند، عبادات را، و به‌ویژه نماز را مقرر کرد. دین آمده است تا ما را به طاعت و فرمانبری حقّ - متعال عادت دهد؛ لذا در نماز روحیه‌ی طاعت و فرمانبری، در قالب قنوت متمثل شده است. اشاره کردیم که معنای واژه‌ی قنوت به معنای طاعت است؛ لذا این روحیه متمثل شده است تا بین کلّ موجودات مختار و غیر مختار هماهنگی ایجاد شود و فرمان‌پذیری و حرکت در صراط مستقیم و در مسیر درست و هدایت، بر وجود موجود مختار حاکم شود. قنوت نماز یکی از مظاهر بارز آن است.

قنوت یعنی مویه کردن، لابه کردن^{۱۵}، حالت تبتّل^{۱۶} و انقطاع از غیر خدا و امید و توجّه را یکسره به سوی خدا روانه کردن، محبت را از غیر خدا بریدن و به خدا متمرکز کردن، توجّه را از غیر خدا قطع کردن و به خدا متوجّه شدن، اتکا را از غیر خدا برداشتن و تنها به خدا متکی بودن. خدای متعال فرمود: «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبْتِيلاً»^{۱۷} اسم پروردگارت را یادکن و به طور مطلق از هر چه غیر اوست، اتکا، توجّه و امیدت را بردار و همه‌ی آنها را به سوی خدا قرار بده.

از امام باقر و امام صادق علیهما السلام روایت داریم که فرمودند: «أَنَّ التَّبَتُّلَ هَذَا رَفْعُ الْيَدَيْنِ فِي الصَّلَاةِ»^{۱۸} فرمودند: اینکه قرآن فرمود: «وَ اذْكُرْ اسْمَ رَبِّكَ وَ تَبَتَّلْ اِلَيْهِ تَبْتِيلاً»؛ منظور از تبتّل و انقطاع، دست‌ها را به دعا برداشتن در نماز است. حالت قنوت، حالت انقطاع از غیر خداست. امام صادق علیه السلام در روایت دیگری فرمودند: «هُوَ رَفْعُ يَدِكَ اِلَى اللّٰهِ وَ تَضَرُّعُكَ اِلَيْهِ»^{۱۹} قنوت و حالت تبتّل «هُوَ رَفْعُ يَدِكَ اِلَى اللّٰهِ» بالا آوردن دست‌هایت به سوی خدا و تضرّع کردن تو به محضر حق است.

۱۵. کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۸۱ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۴۶ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۴.

۱۶. مجلسی، بحار، ج ۸۱، ص ۳۷۸ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۸۳ و طبرسی، مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۱.

۱۷. سوره مزمل، آیه ۸.

۱۸. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۰ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۸۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۴، ص ۱۳۳ و ابن‌ابی-

جمهور، عوالی اللثالی، ج ۲، ص ۵۰.

۱۹. عروسی حویزی، نور الثقلین، ج ۵، ص ۴۵۰ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۶، ص ۲۸۳ و مجلسی، بحار، ج ۸۴، ص ۱۳۳ و طبرسی،

مجمع البیان، ج ۱۰، ص ۵۷۱.

در حدیثی از امام صادق علیه السلام نقل شده است: هیچ بنده‌ای دستش را به جانب خدای عزیز و غالب بالا نمی‌برد؛ مگر اینکه خداوند حیا می‌کند، دست او را خالی برگرداند و آنچه از فضل خود می‌خواهد، در دستی که به سویش دراز شده است، قرار می‌دهد. لذا فرمودند: اگر یکی از شما دست به دعا برداشت، دستش را پایین نیاورد مگر آنکه، دست را به چهره‌ی خود بکشد؛ زیرا از برکاتی که در دستان او قرار گرفته است، بهره‌مند می‌شود.^{۲۰} این از خود حرکت دست به قنوت برداشتن.

اما محتوای دعایی هم که در حین قنوت خوانده می‌شود، مستقلاً بیانگر حالت نیاز مطلق، التماس، لابه، بیچارگی و خاکساری در پیشگاه خداوند است. یکی از معانی قنوت این است که فرد نمازگزار هنگام قنوت دست‌ها را صافِ صاف، نه مثل کاسه، رو به آسمان و محاذی صورت خود قرار می‌گیرد؛ یعنی دست‌های خالی‌اش را به خدا نشان خدا می‌دهد و می‌گوید: خدایا ببین من دست خالی‌ام؛ چیزی ندارم؛ دنیا و آخرت ندارم. خدایا! دست خالی دست خالی‌ام. نیاز و تهی‌دستی مرا ببین. به من رحم کن. طاعت، عبادت، معرفت، کمالات اخلاقی و عمل صالحی ندارم. خدایا نگاه کن دست‌هایم خالی است. دست خالی‌اش را به خدا نشان می‌دهد. غیرت الهی قبول نمی‌کند، بنده‌ای بیچارگی و نیازمندی خود را عرضه کند و او که قاضی الحاجات است، حاجات بنده را برنیاورد و به او عنایت و لطف نکند؛ لذا تأکید زیادی شده است که ولو مستحب است، اما قنوت را در نمازها ترک نکنید. تنها جایی که شاید ترک کردن آن جایز باشد؛ جایی است که مثلاً خدای نکرده

^{۲۰} کلینی، کافی، ج ۲، ص ۴۷۱ و حرّعاملی، وسائل الشیعة، ج ۷، ص ۵۱ و مستدرک، نوری، ج ۵، ص ۱۸۸.

نماز کسی به آخر وقت افتاده است و زمان به قدری کوتاه است که اگر شخص قنوت بخواند، نمازش خارج از وقت واقع و قضا می‌شود. آنجا قنوت را نخواند؛ و الا در غیر آن موارد ترک نکند.

در روایت دیگری امام صادق علیه السلام فرمودند: «مَنْ تَرَكَ الْقُنُوتَ مُتَعَمِّدًا فَلَا صَلَاةَ لَهُ»^{۲۱}. اگر شخصی متعمداً قنوت را ترک کند؛ اصلاً نماز نخوانده است و عملی که انجام داده، نماز نیست. یعنی حقیقت نماز با کمال و غنایی که نماز واقعی باید داشته باشد، در نماز شخصی که بدون قنوت نماز خوانده است، وجود ندارد. البته ممکن است گاهی نمازگزار قنوت را فراموش کند؛ اینجا برای اینکه فضیلت قنوت را از دست ندهد، می‌تواند بعد از سلام نمازش، قضای قنوت را به همراه دو سجده‌ی سهو به‌جا بیاورد.

باز روایت شده است: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ لَا يُصَلِّي مَكْتُوبَةً إِلَّا قَنَتَ فِيهَا»^{۲۲} پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ هیچ نماز واجب را به‌جا نمی‌آوردند، مگر اینکه در آن قنوت را می‌خواندند.

در روایات تأکید فراوانی بر طولانی خواندن قنوت شده است. البته یک احتمال وجود دارد که "طول القنوت" به معنی "طول القيام" باشد؛ اما احتمال نزدیک‌تر این است که به معنای طولانی شدن دعایی باشد که انسان در هنگام قنوت می‌خواند.

منسوب به پیغمبر اکرم علیه السلام است که فرمودند: «أَطْوَلُكُمْ قُنُوتًا فِي دَارِ الدُّنْيَا أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ»^{۲۳} کسی که در دنیا قنوتش طولانی‌تر است؛ در قیامت، هنگامی که امر می‌شود:

^{۲۱} مجلسی، بحار، ج ۸۰، ص ۱۶۳ و نوری، مستدرک، ج ۴، ص ۳۹۵ و صدوق، الهدایة، ص ۲۹.

^{۲۲} نوری، مستدرک، ج ۴، ص ۳۹۶ و ابن‌ابی‌جمهور، عوالی‌الثالثی، ج ۲، ص ۴۲.

^{۲۳} حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۶، ص ۲۹۲ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۱۹۹ و صدوق، امالی، ص ۵۰۹.

«قَفَوْهُمْ إِنَّمَا مَسْئُولُونَ»^{۲۴} آنها را متوقف کنید؛ باید حسابرسی شوند؛ توضیح بدهند و راجع به

آنچه در دنیا کرده‌اند، پاسخ‌گو باشند. در آن روز طولانی‌ترین راحتی را خواهد داشت.

از ابوذر غفاری رضی الله عنه روایت شده است: ابوذریه به رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم عرضه داشت: «فَإِيَّ الصَّلَاةِ

أَفْضَلُ» کدام نماز برتر از نمازهای دیگر و برترین نماز محسوب می‌شود؟ پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم

در پاسخ وی فرمودند: «قَالَ طُولُ الْقُنُوتِ»^{۲۵} نمازی که قنوتش طولانی‌تر باشد، از نمازهای

دیگر برتر است.

از امام رضا رضی الله عنه نقل شده است: «عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ وَ طُولِ الْقُنُوتِ وَ كَثْرَةِ الطَّوَّافِ».^{۲۶} حضرت بر

سه نکته تأکید کردند و فرمودند: به این سه نکته دقت کن و بر آنها اهتمام داشته باش:

اول نماز شب، دوم قنوت طولانی، سوم طواف زیاد دور خانه‌ی خدا.

بنابراین هم بر اصل قنوت که ترک نکنید و اگر کسی عمداً ترک کند، نمازش نماز کامل و

تمام‌عیاری نخواهد بود؛ و هم بر طولانی شدن قنوت، تأکید شده است.

حالت قنوت، یعنی انسان با دست‌های دراز شده به نیاز، جلوی کسی ساکت بایستد؛ که

این حالت یک دنیا حرف می‌زند و کار می‌کند. اما وقتی دعاهایی حین قنوت هم خوانده

شود، خدا می‌داند آن دعاها چه می‌کند!

دعاهایی مثل کلمات فرج، که تأکید ویژه‌ای بر آنها وجود دارد که سعی کنید در

قنوت‌هایتان بخوانید و ترک نکنید. منظور دعای «اللَّهُمَّ كُنْ لَوْلِيَّكَ...»^{۲۷} نیست. این اسمی

^{۲۴}. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۲۴.

^{۲۵}. حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۵، ص ۲۴۸ و مجلسی، بحار، ج ۳۶، ص ۳۵۸ و صدوق، معانی‌الخبار، ص ۳۳۳.

^{۲۶}. مجلسی، بحار، ج ۹۶، ص ۳۴۶ و نوری، مستدرک، ج ۹، ص ۳۷۷.

است که بین ما مشهور شده و به نام دعای فرج می‌گوییم؛ بلکه دعای فرج همین دعایی است که در قنوت‌ها می‌خوانید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ؛ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ؛ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ»^{۲۸} در بعضی از روایت‌ها بعد از «مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ»، «وَ مَا تَحْتَهُنَّ»^{۲۹} هم وجود دارد، که نسخه بدل است. بعد از آن عبارت «وَ سَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ^{۳۰} وَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ^{۳۱} وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ»^{۳۲} هم به منزله‌ی ادامه‌ی دعای فرج روایت شده است. اگر هم شخص در پی آن از خدا طلب مغفرت و رحمت کند و بگوید: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَ اِزْحَمْنَا وَ اِغْفِرْنَا وَ اغْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ»^{۳۳} دعا خیلی غنی‌تر می‌شود. فرصت نیست آثار و برکاتی که دعای فرج دارد را خدمتتان عرض کنم. در کتاب‌ها، فراوان آمده است که این دعا چه برکات و آثاری دارد. خود شما به منابع مراجعه کنید. این دعا را در قنوت بعضی از نمازهایمان قرار دهیم و مقید باشیم که بخوانیم.

۲۷. کلینی، کافی، ج ۴، ص ۱۶۲ و طوسی، مصباح‌المتجهّد، ج ۲، ص ۶۳۰ و نوری، مستدرک، ج ۷، ص ۴۸۳.

۲۸. سیّدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۳۶۹ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۶، ص ۲۷۵ و مجلسی، بحار، ج ۷۸، ص ۲۳۹.

۲۹. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۱۲۲ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۶ و کفعمی، مصباح، ص ۸.

۳۰. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۸۱.

۳۱. سوره‌ی صافات، آیه‌ی ۱۸۲ و سوره‌ی انعام، آیه‌ی ۴۵.

۳۲. سیّدبن طاووس، الامان من اخطار الاسفار والازمان، ص ۴۰ و مجلسی، بحار، ج ۷۳، ص ۲۳۶ و مفید، مقنعة، ص ۴۱۲.

۳۳. سوره‌ی آل عمران، آیه‌ی ۲۶ و سوره‌ی تحریم، آیه‌ی ۸.

۳۴. کلینی، کافی، ج ۳، ص ۳۴۰ و حرّعاملی، وسائل‌الشیعة، ج ۶، ص ۲۷۴ و مجلسی، بحار، ج ۸۲، ص ۲۰۷.

دعای دیگری هم روایت شده است که الحمدلله اغلب دوستان موفق به خواندن آن هستند. معمولاً زمانی هم که در جلسه نماز جماعت داریم، امامان در قنوت نماز عشاء این دعا را می‌خوانند: «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ وَ سَتَرَ الْقَبِيحَ؛ یا مَنْ لَمْ يُؤَاخِذْ بِالْجَرِيرَةِ وَ لَمْ يَمْتَكِ السُّتْرَ؛ یا عَظِيمَ الْعَفْوِ؛ یا حَسَنَ التَّجَاوُزِ؛ یا وَاسِعَ الْمَغْفِرَةِ؛ یا بَاسِطَ الْيَدَيْنِ بِالرَّحْمَةِ؛ یا صَاحِبَ كُلِّ نَجْوَى وَ مُنْتَهَى كُلِّ شَكْوَى؛ یا كَرِيمَ الصَّفْحِ؛ یا عَظِيمَ الْمَنِّ؛ یا مُبْتَدِئاً بِالنَّعْمِ قَبْلَ اسْتِخْفَاقِهَا؛ یا رَبَّنَا وَ یا سَيِّدَنَا وَ یا مَوْلَانَا وَ یا غَايَةَ رَغْبَتِنَا؛ أَسْأَلُكَ يَا اللَّهُ أَنْ لَا تُشَوِّهَ خَلْقِي بِالتَّارِ»^{۳۵} خدا می‌داند چقدر فضیلت دارد! به مناسبتی در شرح کتاب مصباح‌الهدی، در دستورالعمل‌هایی که در آن کتاب نقل شده است، تأکید بر همین دعای «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَمِيلَ» هم شده و آنجا وقتی عبارت را خواندم، روایت را هم نقل کردم که جبرئیل با چه حالت سرشار از بشارتی این هدیه را آورد و گفت اگر کسی هریک از جملات دعا را بگوید، چه آثار فوق‌العاده‌ای دارد. فایل‌های آن صحبت‌ها روی سایت قرار دارد و سی‌دی آن هم در اختیار شماست. حتماً مراجعه کنید تا هم‌تتان صدچندان شود که هیچ بیست و چهار ساعتی نگذرد، مگر اینکه یک‌بار این دعا را در قنوت نمازتان خوانده باشید.

اگر کسی موفق به نمازهای جماعت است و امام جماعت قنوت دیگری می‌خواند و به خاطر مراعات اضعف‌مأمومین، قنوت‌های کوتاه را می‌خواند؛ مثلاً آیه‌ی «رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنَا عَذَابَ النَّارِ»^{۳۶} را می‌خواند و بعد به رکوع می‌رود و شما هر پنج وعده‌ی نمازهای واجب‌تان را برای فضیلت فوق‌العاده‌ی نماز جماعت، به چنین امامی اقتدا

^{۳۵}. مجلسی، بحار، ج ۹۲، ص ۱۹۸ و ۳۵۲ و توحید، صدوق، ص ۲۲۲ و سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۱، ص ۱۵۲.

^{۳۶}. سوره‌ی بقره، آیه‌ی ۲۰۱.

می‌کنید؛ عیبی ندارد؛ ولی این دعا را ترک نکنید و آن را در قنوت نوافلتان، مثل نماز
و تیره که بعد از نماز عشا به جا می‌آورید، بخوانید. در قنوت نوافل مغرب، که دو نماز دو
رکعتی بعد از نماز مغرب است، بخوانید. یا در قنوت نافله‌ی صبح بخوانید. خواندن این دو
دعا را در قنوت‌های نمازهای بیست و چهار ساعت شبانه‌روزتان از دست ندهید.

گفتیم وظیفه‌ی امام جماعت رعایت اضعف مأمومین، کم‌توان‌ترین اقتداکنندگان است.
این شوخی را در پرائتز بگوییم؛ گرچه ربطی به بحث ما ندارد؛ اما چون گفتم اضعف
مأمومین، اشاره کنم: گاهی اوقات امام‌های جماعت به قدری سریع نماز می‌خوانند که هیچ
مأمومی نمی‌تواند به آنها برسد. آنها هم مراعات اضعف مأمومین را نمی‌کنند. پیرمردهایی
که پشت سر شما هستند، به این تندی که نماز می‌خوانی، نمی‌توانند نماز بخوانند و از تو
عقب می‌افتند. این که خیلی بد است. امیدواریم این‌گونه موارد نباشد؛ چون بدآموزی
است. اگر شخص امام جماعت هم نبود، به منزله‌ی یک مسلمان، به این شکل نماز خواندن
برای او خیلی زشت بود. وقتی به بحث سجده رسیدیم بعضی از روایت‌ها را خدمتتان نقل
می‌کنم. به این شکل که مثل نوک زدن کلاغ سر به مهر می‌زند و بلند می‌کند، اصلاً
معلوم نیست چه می‌گوید. قیام، قعود، رکوع و سجودش معلوم نیست. اینطور تندتند، که
خیلی زشت است. این برای خود فرد هم زشت است. اما وقتی در جایگاه امام جماعت
می‌ایستد و مردم به او اقتدا می‌کنند؛ الگوی بدآموزی به دیگران می‌شود؛ چون دیگران
این شخص را امام جماعت و الگو می‌دانند؛ پس تند نماز خواندن را از او الگو می‌گیرند.
اگر زمانی امام جماعت اصلی نیاید، امامی پیدا شود و به جای او بیاید که کمی آرام‌تر نماز
بخواند، مأمومین به او اعتراض می‌کنند که این چه طرز نماز خواندن است؟ خسته شدیم!

چرا اینقدر کش می‌دهی؟ چون امام جماعت قبلی بدآموزی کرده است. امیدواریم اینگونه نباشد.

مطلب را برای شوخی عرض کردم که مراعات اضعف مأمومین، صرفاً به کوتاه خواندن نیست، یک مقدار آرام‌تر و با طمأنینه خواندن هم هست که دیگران به امام برسند.

دعای «یا مَنْ أَظْهَرَ الْجَبِيلَ» را قبلاً معنا کرده بودیم. معنای دعای اول هم که روشن است:

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ» جز «الله»ی که هم حلیم و مداراگر با خلق است و هم کریم است

و کریمانه با خلقش رفتار می‌کند، معبودی وجودی ندارد. «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ» جز

«الله»ی که علیّ و عظیم و برتر و بزرگ است، معبودی وجود ندارد. «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ

السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَ رَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَ مَا فِيهِنَّ وَ مَا بَيْنَهُنَّ وَ رَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ» منزّه است «الله» که

پروردگار آسمان‌های هفتگانه و زمین‌های هفتگانه و آنچه در آسمان‌ها و زمین‌هاست و

آنچه بین آسمان‌ها و زمین‌هاست، می‌باشد و پروردگار عرش عظیم است. تنزیه و تهلیل

که در این دعا وجود دارد، بسیار عجیب است و آثار و فضیلت فوق‌العاده‌ای دارد.

حالت قنوت، حالت مناجات و انقطاع به حقّ است. لذا سالک باید ادب مقام مقدّس

ربوبیت را در این حالت نگه دارد. مراقب باشد که چه دعایی می‌کند؟ ببیند اکنون که در

نمازش دست نیاز به پیشگاه خدای متعال خود بلند کرده، چه می‌خواهد؟ دعاهایی بخواند

که مشتمل بر تسبیح و تنزیه پروردگار و متضمّن ذکر خدا و یاد حضرت حق باشد؛ مثلاً

دعای فرج را که ذکر شد، بخواند. اگر چیزی هم درخواست می‌کند، چیزهای متناسب با

چنین محضری باشد؛ مثلاً معارف الهیه، انس و خلوت با خدا و انقطاع به سوی خدا را

بخواند و این را بخواند که خدا در وادی مناجات و گفتگوی با خود، بر او فتح باب کند.

اینها مضامین بزرگی است که در قنوت می‌توان از خدای متعال درخواست کرد. خیلی کوتاه‌همتی است که انسان در قنوت نماز و در چنین مقام بلندی، دنیا، خواسته‌های پست حیوانی، شهوات نفس و هوس‌های نفسانی خود را از خدای متعال بخواهد.

قنوت دست شستن از غیرخدا و با همه‌ی وجود رو آوردن به عزّ ربوبیت است. قنوت دست خالی را به خدا نشان دادن، کف سائل را به نزد خدا دراز کردن و کشکول‌گذاری را به خدا عرضه کردن است. این حال انقطاع است. روایت آن را خواندم که امام صادق و امام باقر علیه‌السلام فرمودند: تبّتل همین حال در نماز است. آیا جا دارد انسان در چنین حالی که حال انقطاع است، هوس‌های حیوانی خود را مطرح کند و خواسته‌های پست مادی را بخواهد؟ نهایت دون‌همتی و کوتاه‌فکری است که در چنان مقام بلندی به جای انقطاع از همه‌ی ماسوی الله و اینکه انسان بگوید: خدایا فقط خودت را می‌خواهم؛ خواسته‌های او فقط به سمت حزیض حیوانیت و درّه‌ی عمیق خواسته‌های نفسانی، شهوانی، دنیوی و مادی برود. اوج زیان‌کاری و خسران است. اکنون که ما از وطن اصلی خودمان، از آنجایی که بوده‌ایم، دور افتادیم و به قول شاعر:

بشنو از نی چون حکایت می‌کند	وز جدایی‌ها شکایت می‌کند
کز نیستان تا مرا بپریده‌اند	از نفیرم مرد و زن نالیده‌اند
سینه خواهم شرحه شرحه از فراغ	تا بگویم شرح درد اشتیاق
من به هر جمعیتی نالان شدم	جفت خوش حالان و بد حالان شدم

چنین کسی که دور افتاده و در هجران و غربت است؛ از احرار، آزادگان و اشخاصی که در جوار حقّند، مهجور و اسیر ظلمت‌کده‌ی پررنج و سختی دنیاست؛ باز هم در این مقام بلند

قنوت و انقطاع، مثل کرم ابریشمی که به دور خودش تار می‌تند و زندان خود را مستحکم‌تر می‌کند، دائماً دنیا را بخواهد؟ او که دنیایی نبود.

مرغ باغ ملکوتم نیم از عالم خاک چند روزی قفسی ساخته‌اند از بدنم

به قول شاعر:

تو را ز کنگره‌ی عرش می‌زنند سفیر نشیمن تو نه این کنج محنت آباد
است

قفس خود را در قنوت مستحکم‌تر کند، دنیا را بطلبد و خود را به هجران و غربت بیشتر اسیر کند؟ نوری که خدای رحمان در فطرت انسان قرار داد؛ یعنی نور معرفت حق، که همه با فطرت خود خدا را می‌شناسند، و ناری که در وجود انسان برافروخت؛ یعنی آتش عشق الهی که در وجود همه‌ی انسان‌ها وجود دارد، و در مرحله‌ی بعد، انواری مثل پیامبران الهی و عشاقی مثل اولیای الهی را که به مدد انسان فرستاد، در قنوت نمازش با خاکستر و خاک دنیا آن را خاموش کند؟ نور را به کدورت تبدیل کند و بیشتر خودش را در ظلمت دنیا اسیر کند؟ چنین چیزی جا ندارد. خوب است اکنون که در قنوت به محضر حق راه پیدا کرده و می‌تواند خواسته‌ای بخواهد، ملحق شدن به وطن و رفیقان اصلی خود را طلب کند. به قول شاعر:

من از دیار حبیبم، نه از دیار غریب مَهْمِنَا به رفیقان خود رسان بازم

در قنوت از خدای متعال بخواهد، که خدایا! به من انقطاع از غیرخودت را موهبت کن. به هرچه مشغول شده‌ام؛ باختم‌ام. خدایا! به من مقام انقطاع را موهبت کن، که اتکا از غیر تو

بردارم؛ توجه از غیر تو بپریم؛ دل از غیر تو بکنم؛ اعتماد به غیر تو نکنم و خواسته‌ای جز تو نداشته باشم. درد هجران خود را به خدا عرضه کند و وصل را بطلبد. بگوید:

آرزومند وصالیم خدایا مَطْلَب ما چنین تشنه و دریای کرم مالا مال

اگر نمازگزار این گونه به میدان قنوت برود؛ چه بسا مدد الهی برسد و از باطن دست سالک مصّلی را بگیرد. مدد الهی همه‌ی کاستی‌های او را جبران کند و او را به قلّه‌های بلند کمالات عبودی برساند. خدا «ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ»^{۳۷} است. عادت خدا احسان^{۳۸} و سجدّیه‌اش کرم است. غیرت خدا قبول نمی‌کند کسی این گونه دست نیاز به پیشگاه او دراز کند و او دست را خالی برگرداند.

چند روزی از پایان ماه شعبان نگذشته است؛ امروز دومین روز ماه مبارک رمضان است. شما تا پریروز مناجات شعبانیه را می‌خواندید. فرازهای مناجات همین‌ها بود و چقدر قشنگ است انسان بعضی از این فرازها را ذکر قنوت خود قرار دهد: «الْهِيَ هَبْ لِي كَلَّ الْإِنْقِطَاعِ إِلَيْكَ وَ أَيْزْ أَبْصَارَ قُلُوبِنَا بِضِيَاءِ نَظَرِهَا إِلَيْكَ حَتَّى تَحْرِقَ أَبْصَارَ الْقُلُوبِ حُجُبَ الثُّورِ فَتَصِلَ إِلَى مَعْدِنِ الْعُظْمَةِ وَ تَصِيرَ أَرْوَاحَنَا مُعَلِّقَةً بَعِزِّ قُدْسِكَ؛ الْهِيَ وَ اجْعَلْنِي مِمَّنْ نَادَيْتَهُ فَأَجَابَكَ وَ لَاحَظْتَهُ فَصَعِقَ لِجَلَالِكَ فَجَاجَيْتَهُ سِرّاً وَ عَمِلَ لَكَ جَهْرّاً» ... «الْهِيَ وَ الْحَقِّي بِنُورِ عِزِّكَ الْأَمْحَجِ فَأَكُونَ لَكَ عَارِفاً وَ عَنْ سِوَاكَ مُنْحَرِفاً وَ مِنْكَ خَائِفاً مُرَاقِباً يَا ذَا الْجَلَالِ وَ الْإِكْرَامِ»^{۳۹} اینها خواسته‌ی انسان در قنوت نماز باشد. اگر کسی

^{۳۷}. سوره‌ی جمعه، آیه‌ی ۴ و سوره‌ی حدید، آیه‌ی ۲۱.

^{۳۸}. امام سجّاد علیه السلام، صحیفه‌ی سجّادیه، دعای ۳۷، ص ۱۶۲ و سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۴۳ و محدث‌قمی، مفاتیح، دعاهاى هر روز ماه رجب.

^{۳۹}. سیدبن طاووس، اقبال‌الاعمال، ج ۲، ص ۶۸۷ و مجلسی، بحار، ج ۹۱، ص ۹۹ و محدث‌قمی، مفاتیح، مناجات شعبانیه.

اهل سلوک است، گام در راه وصال نهاده است و امید به دیدار حق متعال دارد، قنوت نمازهایش هم باید این گونه باشد. اینجا عرصه‌ای است که خواسته‌های عارفانه‌ی سالک الی الله باید به محضر حق عرضه شود.

مقام قنوت برای متوسطین، مقام یادآوردن عجز و ذلت عبودی خویش و روی آوردن و توجه کردن به عزت ربوبی حضرت حق است. اما قنوت اولیای کامل و کمال اولیاء، مقام انقطاع (به معنای مطلق کلمه) و ترک توجه و اعتماد به ماسوی الله است. انقطاع مطلق از غیر خداست، که روح توکل است. مقام توکل که از مقامات بلند عارفان است، همین مقام می‌باشد، که عارف در زندگی جز به خدا اتکا و اعتمادی ندارد. به فهم، شعور، زرنگی، چیره‌دستی، علم، دانش، هنر، ترفند، توانمندی، قدرت، طاعت و عبادت خود اتکا ندارد. متقابلاً به هیچ‌یک از مخلوق هم اتکا و اعتماد ندارد. تکیه و اعتمادش فقط به خداست. او را وکیل کرده و از جانب خویش به او وکالت داده است. این مقام توکل است، که همان حقیقت مقام انقطاع از غیر حق می‌باشد.

سه موضع نماز و سه حالت بدن در نماز بیانگر سه مرتبه از مراتب توحید است. حالت قیام نماد توحید افعالی، حالت رکوع نماد توحید صفاتی و حالت سجده نماد توحید ذاتی است. ان شاء الله به بحث رکوع و سجود که رسیدیم، توضیح می‌دهم. در مبحث قیام راجع به توحید افعالی مفصل صحبت کردیم.

قنوت را در حالت قیام می‌خوانند. حالت قیام در رکعت اول طی شده و در رکعت دوم هم کامل شده است؛ یعنی طی این دو رکعت، مقام توحید افعالی، که احدی غیر خدا در عالم کاره‌ای نیست، کاملاً تکمیل شده است. حالا قنوت معنا دارد. چون کسی غیر خدا کاره‌ای

نیست که من به سوی او دست دراز کنم، به او چشم امید بدوزم و اعتماد و اتکا داشته باشم؛ لذا کشکول گدایی‌ام را پیش خدا می‌برم، از همه‌ی خلق منقطع‌م و به تنها کاره‌ی هستی که خداست، چشم امید می‌دوزم و در محضرش دست نیاز دراز می‌کنم. این هم ادب قنوت، که سالک در هنگام قنوت باید چگونه باشد.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ عَجِّلْ فَرَجَهُمْ